

چند نفری کار کنیم تا خرج زندگی تامین شود

بخش اقتصاد– فکر می‌کنید یک نفره از پس تامین خرج و مخارج خانواده بر می‌آیید؟ ما که بعید می‌دانیم. بانک مرکزی و مرکز آمار هر سال اوضاع درآمد خانواده‌های شهری را بررسی می‌کنند که معمولا با هم تفاوت‌هایی دارند. مثلا یکی می‌گوید درآمد ماهانه خانواده سه میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است و آن یکی می‌گوید سه میلیون تومان. در نهایت مجبوریم با کمی بالا و پایین کردن عددها درآمد هر شاغل را تخمین بزنیم. طوری که متوسط درآمد هر شاغل را حدود دو میلیون و ۲۰۰ هزار تومان در نظر گرفتیم. فکر می‌کنید با این حساب چند نفر باید کار کنند تا دخل و خرج یک خانواده در حد همان خورد و خوراک تامین شود؟

سرانه درآمد و هزینه خانوار از قول مرکز آمار و بانک مرکزی

خانوارهای ایرانی سال ۹۶ را موفق‌تر از سال‌های گذشته به پایان رساندند. چرا که بر اساس گزارش مرکز از درآمد و هزینه‌های سالانه خانواده‌های شهری و روستایی نشان می‌دهد سرانه درآمد سالانه خانوارهای شهری با رشد ۱۵ درصدی نسبت به سال ۹۵، حالا به سالانه ۳۶ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسیده است. یعنی هر خانوار چیزی حدود سه میلیون تومان در ماه درآمد داشته است. از طرفی هزینه‌های خانوار شهری در سال ۹۶ رقمی معادل ۲۳ میلیون تومان در سال برآورد شده است که ماهانه می‌شود حدود دو میلیون و ۷۵۰ هزار تومان. براساس گزارش‌های مرکز آمار حدود ۲۲ درصد این هزینه‌ها مربوط به هزینه‌های خوراکی و دخانی بوده است؛ و ۷۶ درصد آن برای هزینه‌های غیر خوراکی. در

بین این هزینه‌ها، مسکن با سهم ۴۲ درصدی بیشترین هزینه را روی دوش خانواده‌های شهری گذاشته است.

از طرف دیگر بانک مرکزی هم سالانه دخل و خرج مردم را محاسبه می‌کند. بانک مرکزی که نسبت به مرکز آمار رقم‌های درشت‌تری را در گزارش سالانه خود آورده، معتقد است میانگین درآمد سالانه خانواده‌ها حدود ۴۴ میلیون تومان بوده که به صورت ماهانه می‌شود سه میلیون و ۶۰۰ هزار تومان. از این میزان حدود ۷۰ درصد مربوط به درآمدهای پولی و ۳۰ درصد مربوط به درآمدهایی مثل ارزش اجاره خانه شخصی است؛ بنابراین درآمد پولی ماهانه خانواده‌ها دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برآورد شده است. در طرف مقابل هزینه‌های سالانه یک خانوار حدود ۹ میلیون بیشتر از گزارش مرکز آمار و ۴۲ میلیون تومان برآورد شده است. این رقم نشان می‌دهد هزینه‌های خانواده، به صورت ماهانه سه میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خرج روی دست سرپرست خانوار می‌گذارد که بزرگترین بخش آن یعنی ۲۵ درصد، سهم مسکن، آب، برق و گاز است. البته مرکز آمار سهم مسکن از هزینه‌های خانواده را ۲۳ درصد برآورد کرده است. نقطه اشتراک دو گزارش مرکز آمار و بانک مرکزی در محصولات خوراکی است که هر دو نهاد سهم ۲۳ درصدی از کل هزینه‌های خانوار را به خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها اختصاص داده‌اند. دیگر بسته‌های هزینه‌ای در گزارش بانک مرکزی، مربوط به حمل و نقل است که سهم ۱۰ درصدی را به خود اختصاص داده. بهداشت و درمان شش درصد و پوشاک و هزینه خرید لوازم و اثاث منزل هر کدام سهم چهار درصدی از هزینه‌های خانواده را به خود اختصاص داده‌اند.

میانگین درآمد هر شاغل چقدر شده است؟

خانواده‌های ایرانی همچنان با نگاه سنتی به قضیه درآمد نگاه می‌کنند و در بیشتر خانواده‌ها تنها یک نفر مسئولیت درآمد خانواده را به دوش می‌کشد. گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد ۵۵ درصد خانواده‌های ایرانی یک شاغل دارند. ۱۴ درصد

بخش اقتصاد– بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد برخی مشاوران املاک با سوء استفاده از کمبود مسکن مصرفی و با اتکاء به برخی ترفندها، به حباب قیمت در بازار دامن زده اند. در پی افزایش قیمت مسکن از یک سو و کاهش ساخت و ساز از سوی دیگر شرایطی در بازار مسکن فراهم شده که مصرف کنندگان واقعی این کالا و زوج های جوانی که به دنبال خرید سرپناه کوچکی برای آغاز زندگی هستند، با کمبود واحد مسکونی مصرفی روبه رو شده اند.بررسی های میدانی نشان می دهد در حال حاضر بیشترین حجم واحدهای موجود برای خریداران را تنها دو دسته از واحدها تشکیل می دهند: دسته اول، واحدهای مسکونی بسیار کوچک با سن بنای بالا واقع در طبقات چهارم بدون آسانسور و پارکینگ هستند که از سوی خریداران با اقبال مواجه نمی‌شوند؛ و دسته دوم، واحدهای بزرگ متراژ در محله های گران قیمت مناطق ۰۱، ۰۲، ۰۳ و ۵ پایتخت هستند که از متری ۱۷ میلیون تومان آغاز شده و در مواردی مانند برخی واحدهای خیابان فرشته به متری ۴۵ تا ۵۵ میلیون تومان هم می رسد.کمبود واحدهای مسکونی مصرفی خانوارپسند به همراه رکود تورمی حاکم بر بازار مسکن به گونه ای است که برخی مشاوران در صورت داشتن فایل های مناسب برای فروش، نهایت سوءاستفاده را برای حداکثر کردن منافع خود انجام می دهند.

بنگاه‌ها چگونه به حباب قیمت دامن می‌زنند؟

اینها نشان می دهد کمبود واحد مسکونی مصرفی خانوارهای متوسط شهری به خصوص در پایتخت، زمینه را برای سوءاستفاده برخی مشاوران املاک فراهم کرده است. یکی از شهروندان تهرانی در خصوص نحوه قیمت گذاری برخی مشاوران املاک گفت: من واحد مسکونی کوچک متراژ ولی با شرایط مناسب را برای فروش ، نزد یکی از مشاوران املاک فایل کردم؛ به دلیل شرایط خوب این واحد ، چه از نظر قیمت پیشنهادی من و چه از نظر موقعیت واحد مسکونی و دارا بودن آسانسور و پارکینگ، فایل بنده با موجی از تقاضا برای خرید روبه رو شدم.ی ادامه داد: مبلغ مدنظر من برای آپارتمان، ۲۸۰ میلیون تومان بودو بنگاه به ما اعلام کرد جهت عقد مبادیه نامه با خریدار، در بنگاه حضور پیدا کنیم. زمانی که به بنگاه مراجعه کردیم، مشاور املاکی که فایل ما را پیگیری می کرد، ما را به داخل اتاقی راهنمایی کرد. در آنجا

دو شاغل و حدود سه درصد بیشتر از دو شاغل در خانواده فعالیت می‌کنند. در کنار این‌ها ۲۸ درصد هم سهم خانواده‌هایی است که فرد شاغل ندارند. با یک محاسبه وزنی، به طور میانگین هر شاغل ۸۸ درصد درآمد خانواده را بر عهده دارد. با توجه به درآمد دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی، می‌توان حدس زد که میانگین درآمد هر شاغل در خانواده‌های ایرانی حدود دو میلیون و ۲۰۰ هزار



تومان باشد. مزد و حقوق مشاغل بخش دولتی و عمومی، ۱۰ درصد محل درآمد خانواده‌ها را به خود اختصاص داده است. در طرف دیگر بخش خصوصی سهم ۱۵ درصدی از درآمدهای خانواده را دارد. این دو در کنار هم نتوانسته‌اند با مشاغل آزاد رقابت داشته باشند چرا که محل درآمد حدود ۱۸ درصد خانواده‌های شهری از بخش مشاغل آزاد است. گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد که بخش عمده این درآمدها هم به درآمدهای متفرقه اختصاص دارد که سهم ۲۴.۴ درصدی از مشاغل را شامل شده است.

درآمدهای پولی خانواده عمرا کفاف هزینه‌ها را نمی‌دهد

گزارش بانک مرکزی خرج سالانه خانواده‌ها را حدود دو میلیون تومان کمتر از درآمد اعلام کرده است. در اصل میانگین درآمد سالانه ۴۴ میلیون و میانگین هزینه سالانه ۴۲ میلیون تومان محاسبه شده است. این گزارش یک نکته پنهانی دارد، آن هم این است که بانک مرکزی درآمدهای خانواده را با جمع کردن درآمدهای پولی و غیرپولی در نظر گرفته است. در حالی که خیلی از خانواده‌ها از درآمدهای غیرپولی محروم هستند. درآمدهای غیرپولی که عایدی‌های خانواده از اجاره دادن مسکن را شامل می‌شود، سهم ۳۰ درصدی در درآمد سرانه خانواده دارد. با توجه به اینکه درآمد ماهانه خانواده سه میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است، سهم ۷۰ درصدی درآمدها پولی، دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. یعنی خانواده‌هایی که مسکنی برای اجاره دادن ندارند و کل درآمد آن‌ها از شغلشان است، احتمالا دربرابر هزینه‌ها به مشکل خواهند خورد. چرا که میانگین هزینه ماهانه سه میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برآورد شده است.

هزینه خورد و خوراک یک خانواده دو تا سه نفره چقدر است؟

اگر خانواده ما در ماه پنج کیلوگرم برنج ایرانی مصرف کند باید مبلغی حدود ۷۰ هزار تومان بپردازد. روغن هم ماهانه ۱۲ هزار تومان برای خانواده آب می‌خورد. اگر به این رقم دو کیلو سیب‌زمینی و پیاز هم به عنوان مواد اصلی لازم برای پخت

و پز افزوده شود، جمعا شش هزار تومن روی دست خانواده خرج می‌گذارد و با افزودن دو بسته کوچک ماکارونی به قیمت شش هزار تومان، می‌شود ماهانه ۱۰۰ هزار تومان. فرض کنیم در کنار برنج و روغن، این خانواده در ماه یک کیلو گوشت چرخ کرده، یک کیلو گوشت خورشتی گوسفند، یک کیلو گوشت خورشتی ران گوساله خریداری کند که به ترتیب باید ۵۰ هزار تومان، ۷۰ هزار تومان و ۶۰

هزار تومان خرج روی دست خانواده می‌گذارد. در کنار گوشت قرمز، خانواده دو تا سه نفره مصرف مرغ نیز خواهند داشت. اگر خانواده سه کیلو مرغ در ماه مصرف کند، با توجه به متوسط قیمت ۱۲ هزار تومانی گوشتی مرغ در این روزها، به طور کلی حدود ۲۱۵ هزار تومان برای تامین پروتئین لازم سفره خرج کند.

محاسبات ما نشان می‌دهد قند و شکر برای خانواده دو تا سه نفره ماهانه بیشتر از ۱۵ هزار تومان هزینه نخواهد داشت. در کنار قند و شکر هزینه ۵۰ هزار تومانی لبنیات اعم از شیر، پنیر، ماست، کره و خامه را هم به سید مصرفی خانواده اضافه می‌کنیم. احتمالا شما هم با مراجعه به میوه‌فروشی‌ها متوجه شده‌اید که تقریبا در هر نوبت خرید میوه حدود ۶۰ هزار تومان خرج روی دست آدم می‌ماند. اگر خانواده در هفته یک بار میوه بخرد، میوه‌جات هزینه‌ای معادل ۲۴۰ هزار تومان در ماه خرج بر می‌دارد. علاوه بر این‌ها ۳۵ هزار تومان هم برای کنسروهایی مثل رب

و تون ماهی کنار می‌گذاریم. جمع کردن این همه خرج ماهانه نشان می‌دهد یک خانواده دو تا سه نفره حداقل ۶۵۰ هزار تومان خرج خورد و خوراک می‌کند.

چقدر درآمد برای تامین هزینه خورد و خوراک لازم است؟

آماری که از گزارش‌های مرکز آمار و بانک مرکزی به دست آمد نشان داد که میانگین درآمد هر شاغل در خانواده دو میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است. محاسبه کردیم که اگر یک خانواده خانه‌ای برای اجاره دادن به دیگران نداشته باشد و نتواند سهم ۳۰ درصدی درآمدهای غیرپولی را به کمک خانواده بیاورد، در هزینه‌ها دچار مشکل خواهد شد. از طرف دیگر با توجه به اینکه ۲۳ درصد هزینه خانواده خرج مواد خوراکی می‌شود، حداکثر حدود ۵۰۰ هزار تومان از بودجه فرد شاغل در خانواده، دو تا سه نفره می‌تواند به موارد خوراکی اختصاص پیدا کند. در حالی که هزینه مورد نیاز برای تهیه محصولات خوراکی خانواده رقمی بیش از ۶۵۰ هزار تومان برای خانواده آب می‌خورد. چند نفری کار کنیم تا خرج زندگی تامین شود؟

این مقایسه‌ها به ما نشان می‌دهد که در بهترین حالت هم یک شاغل نمی‌تواند مخارج خانواده‌های دو تا سه نفره را تامین کند. احتمالا با این وضعی که اقتصاد ما در پیش گرفته است، اوضاع از این هم بدتر خواهد شد و دیگر باید با آن لایف استایلی که فقط پدر خانواده به عنوان سرپرست برای خانواده درآمدزایی می‌کرد را کنار بگذاریم و از این پس با خانواده‌هایی روبرو شویم که در آن‌ها حداقل دو شاغل وجود دارد تا بتوانند از زندگی‌شان لذت ببرند. در این حالت اگر دو شاغل در خانواده درآمدزایی کنند، درآمد خانواده به چهار میلیون و ۴۰۰ هزار تومان خواهد رسید که علاوه بر کفاف هزینه سه میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی پس‌انداز خوبی هم برای خانواده کنار می‌گذارد. همچنین با این تفاسیر خانواده می‌تواند تا یک میلیون تومان هم برای خورد و خوراک خود کنار بگذارد. این یعنی یک زندگی اعیانی!

مشاوران املاک با چه شیوه هایی قیمت کاذب برای مسکن می سازند

اوه، ملک ما را به ۳۲۰ میلیون تومان به خریدار بخت برگشته اعلام کرده است. وی ادامه داد:در نهایت هم آپارتمان را ۳۲۰ میلیون تومان به خریدار فروختیم و مشاور املاک روی معامله ما، ۴۰ میلیون تومان سود کرد.

وی گفت: مشاور املاک شرایط بازار و قیمت ها را به گونه ای برای خریدار بخت برگشته توصیف کرده بود که خریدار برای خرید به قیمت ۳۲۰ میلیون تومان خیلی عجله داشت و نگران بود اگر نتواند ملک ما را بخرد، قیمت بالاتر می رود و دیگر نخواهد توانست صاحب خانه شود.وی افزود: به همین راحتی مشاوران املاک در نرخ گذاری دخالت کرده و با ایجاد حباب قیمتی، ۲۵ تا ۳۰ درصد بالاتر از ارزش واقع ملک آن را قیمت می کنند. از سوی مقابل خریداران نیز به دلیل کمبود شدید واحد مسکونی مصرفی نمی توانند با زیاده خواهی های برخی مشاوران املاک مقابله کرده و خواهان کم کردن قیمت پیشنهادی شوند. چون در هر صورت برای واحد مسکونی با شرایط مناسب و میان متراژ، مشتری وجود دارد و اگر در آن لحظه از خرید این واحد مسکونی منصرف شود، باید واحد گرانتری بخرد.

نقش پنهان گروه‌های تلگرامی متعلق به مشاوران املاک

بررسی های میدانی نشان می دهد برخی از مشاوران املاک با تشکیل گروه های تلگرامی میان خود، قیمت گذاری مسکن را در اختیار گرفته و در صورت داشتن فایل های با شرایط مناسب، نحوه افزایش قیمت آن را با یکدیگر هماهنگ می کنند به گونه ای که با درک این موضوع که در هر محله چه تعداد واحد مسکونی با شرایط مناسب آماده فروش وجود دارد، در صورت کاهش عرضه، قیمت آن را به بالاترین رقم به خریداران پیشنهاد داده و با هماهنگی یکدیگر حاضر به کاهش قیمت ها در آن محله نیستند.به نظر می رسد این روش قیمت گذاری دلالتان بازار مسکن تا حدودی مشابه نحوه قیمت گذاری دلالتان بازارهای موازی در یکی دو ماه گذشته باشد و لازم است دستگاه های نظارتی همانگونه که با دلالتان و سودجویان بازار سکه و ارز برخورد کردند، برخورد با سوداگران بازار مسکن را هم در دستور کار خود قرار دهند.

چرتکه

پشت پرده بازار سیاه بلیت مسابقات فوتبال چیست



بخش اقتصاد– بازی پرسپولیس و السد قطر در مرحله برگشت نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان آسیا درحالی در ورزشگاه آزادی برگزار شد که حواشی این مسابقه به‌طور کامل تحت‌تاثیر پیش‌فروش عجیب بلیت‌های ورزشگاه آزادی قرار گرفته بود. چنان‌که حتما می‌دانید بلافاصله بعد از باز شدن سایت فروش اینترنتی بلیت، تقریبا تمام بلیت‌های طبقه پایین به فروش رسید و پس از آن سامانه موردنظر از دسترس خارج شد.

پس از چند ساعت اختلال، سایت برگشت و البته طرف فقط چند دقیقه بلیت‌های طبقه بالا هم به اتمام رسید تا فقط ۹ هزار قطعه بلیت برای عرضه در محل استادیوم باقی بماند. این اتفاق آنقدر عجیب بود که موجی از شگفتی و البته گمانه‌زنی را به دنبال آورد. عمده حدس‌ها مربوط به نقش‌آفرینی دلال‌ها بود؛ کسانی که قصد خرید بلیت به قیمت معمولی و فروش آن را در بازار سیاه داشتند. این گمانه‌زنی‌ها کمی بعد با شروع فروش بلیت‌ها در اینترنت تأیید شد؛ روندی که تا ساعتی قبل از مسابقه هم ادامه داشت و جماعت دلال بلیت‌ها را بین ۱۰۰ هزار تا بیش از یک میلیون تومان به فروش می‌رسانند. این مساله، باب یک بحث جدید را در حوزه اقتصاد ورزش باز کرد. قبلا که بلیت‌فروشی به‌صورت دستی انجام می‌شد، دلال‌ها در کنار گیت‌های بلیت‌فروشی تجمع می‌کردند و کاملا قابل رویت بودند، اما رواج بلیت‌فروشی الکترونیکی آنها را پشت مانیتورهای کامپیوتر کشاند. بنابراین این بار پلیس فتا وارد کار شد و خبرهایی هم در مورد برخورد این نیرو با متخلفان به انتشار رسید. بااین همه همچنان این ابهام مطرح است که چرا چنین اتفاقی رخ داد و برای جلوگیری از تکرار آن چه می‌شود کرد؟ آیا این پدیده فقط منحصر به ایران است؟

نه، این‌طور نیست. حتی در مورد بزرگ‌ترین مسابقات و معتبرترین استادیوم‌های دنیا هم همیشه بحث بازار سیاه وجود داشته است. مثلا نبرد سنتی بارسلونا و رئال مادرید موسوم به ال‌کلاسیکو، همواره یک فرصت فوق‌العاده برای طمع‌کاران به شمار می‌آید. آنها همیشه بلیت‌های ال‌کلاسیکو را به چند برابر قیمت در بازار سیاه به فروش می‌رسانند و تنها یک جست‌وجوی ساده اینترنتی کافی است تا پی به ابعاد ماجرا ببرید. حتی در همین جام‌جهانی اخیر هم عرضه بلیت در بازارهای غیررسمی رواج داشت؛ به‌طوری که قیمت باکس ویژه استادیوم میزبان فینال جام‌جهانی بین فرانسه و کرواسی به ۸۷ هزار پوند رسید که ۱۱ برابر بیشتر از نرخ مصوب فیفا بود!فدراسیون جهانی فوتبال در آن زمان مدام به هواداران هشدار می‌داد که در صورت خرید بلیت از سایت‌های متفرقه ممکن است در ورود به ورزشگاه دچار مشکل شوند. بنابراین می‌بینیم که این مشکل تقریبا همه جای دنیا وجود دارد، اما به دلایلی این مشکل در فوتبال ایران پیچیده‌تر است.

یکی از کاتالیزورها و شتاب‌دهنده‌های تشکیل بازار سیاه در فوتبال ایران، پیروی آن از سایر شئون اجتماعی است. مشکلات اقتصادی اخیر به وضوح نشان داد که متأسفانه سودجویی و اتکا به درآمدهای ناگهانی و بادآورده به یک آفت تبدیل شده است. همه دیدیم که چه پر سر کالاهای اساسی آمد و حتی شایبه کمیاب شدن محصولاتی مثل رب و دستمال کاغذی، چطور عده‌ای را به صرافت خرید بیش از حد، انبار کردن این محصولات و البته فروش‌شان به چند برابر قیمت انداخت. اوج این داستان در ماجرای ارز دیده شد و حالا بنظر می‌رسد منتفع شدن کاذب و نامشروع عده‌ای در این داستان‌ها، به یک الگو برای برخی دیگر از شهروندان تبدیل شده است. وقتی آن هجوم وحشتناک به سایت فروش بلیت بازی پرسپولیس و السد اتفاق می‌افتد، واضح است که عده‌ای از قبل برای این کار نقشه داشتند و بعد از گشایش سایت، فرصت را از دست نداده‌اند. به این ترتیب فوتبال هم تابعی از سایر شرایط و شئون اجتماعی است که در این مورد نیاز به فرهنگ‌سازی اساسی داریم.

جدا از مساله فقر فرهنگی اما، حفره‌های دیگری هم وجود دارد که با درایت می‌توان دست‌کم بخشی از آنها را پر کرد. به‌طور مشخص لازم است که سایت ارائه‌دهنده بلیت مسابقات، ظرفیت بالا و نفوذپذیری پایینی داشته باشد و محدودیت‌های حقیقی برای خرید بیش از یک بلیت برای هر نفر ایجاد کند. در کنار این، بحث همیشگی شناسنامه‌دار کردن هواداران و صدور کارت هواداری واقعی و کارآمد را برای آنها داریم؛ کارت‌هایی که در چنین مواقعی بتوانند به هوادار شناخته‌شده تسهیلات ارائه بدهد و او را از دور خرید و فروش بلیت در بازار غیررسمی خارج کنند. وقتی هواداران یک باشگاه تبدیل به یک شبکه منسجم می‌شوند، طبعاً ارائه خدمات به آنها هم راحت‌تر خواهد شد. دیگر نیازی به تکرار نیست که اولین ابزار رسیدن به آن نقطه هم ثبات مدیریت است؛ چیزی که در فوتبال ایران به «افسانه» می‌ماند!